

وکالت دادگستری در فرانسه ، حرفه ای تحت حمایت و نظارت کانون وکلا

کلای دادگستری هر حوزه قضایی فرانسه درون نهادی صنفی گردهم آمده تا مقررات حاکم بر حرفه خود را، در چارچوب قوانین و آییننامه‌های دولتی قابل اجرا تنظیم نموده و خود بر اجرای صحیح آن نظارت کرده و به‌طور همبسته از حقوق صنفی خود در مقابل هرگونه تعرضی از خارج، بویژه از جانب مقامات دولتی، حمایت و دفاع نمایند. این نهاد صنفی کانون وکلای دادگستری نام دارد و دارای شخصیت حقوقی می‌باشد که نقش حامی حقوق و ناظر بر اجرای تعهدات دسته‌جمعی وکلای عضو آن را داشته و به‌عنوان سخنگوی رسمی این صنف اقدام مینماید.

انگیزه اصلی ایجاد کانون وکلا، حمایت از حقوق و مقام وکلای دادگستری، چه به‌طور انفرادی و چه جمعی بوده‌است. با توجه به نقش مفید و درعینحال حساس این حرفه در جامعهای که عدالت و آزادیهای فردی و اجتماعی را سرلوحه خود قرار داده است، اهمیت نقش کانون وکلا در این کشور به خوبی نمایان میشود. بیجهت نیست که هرکجا آزادیهای فردی و اجتماعی از سوی مقامات حاکم محدود یا لغو شده‌است، فعالیت و حتی موجودیت کانون وکلا زیر سؤال رفته تا فعالیت وکلای دادگستری تحت نظر و کنترل این مقامات درآید. بنابراین میتوان بدون اغراق بیان داشت که میزان حمایت کانون وکلا

از اعضای خود نشان دهنده مؤثر بودن نقش وکلای دادگستری در یک جامعه و همچنین حدودی که در آن برای آزادی و عدالت تعیین شده است میباشد.

در فرانسه، از زمان انقلاب ۱۷۸۹ تا کنون، کانونهای وکلا مراحل کموبیش دشواری را

پشتسر گذاشته و امروزه جایگاه خود را در چارچوب نظامی دمکراتیک و جامعههای آزاد

تثبیت کردهاند. انگیزه اصلی کانونهای وکلا حفظ این جایگاه است، که این مستلزم

حمایت از شأن و اعتبار این حرفه بهطور کلی و از اعضای خود بهصورت انفرادی میباشد.

هرگاه مقامات دولتی یا اداری، و حتی تقنینی، درصدد آن برمیآیند که تدابیری جهت

محدود ساختن حقوق شهروندان در زمینه دادخواهی و دادرسی - از قبیل محدود کردن حق

دفاع برای عاملان جرایمی خاص یا تعرض به اصل براءت - اتخاذ نمایند، کانونهای وکلا

شدیداً اعتراض کرده و برای مبارزه با چنین طرحهایی به طرق قانونی وارد صحنه میشوند.

کانون وکلا نسبت به رفتار نیروهای انتظامی و پلیس هنگام دستگیری و بازداشت مجرمان

حتمی یا احتمالی بسیار حساس است و در صورت اعتراض وکلای متهمان به نحوه اقدام

پلیس در این مواقع از وکلا کاملاً حمایت میکند.

از سویی دیگر، کانون وکلا در فرانسه از اعضای خود در مقابل هرگونه فشار یا تهدیدی

از سوی مقامات یا طرفهای دعوی بهطور قاطعانه حمایت میکند. قاطعیت این حمایت به

حدی است که میتوان، از نظر کانون، صحبت از نوعی مصونیت برای وکیل دادگستری هنگام انجام وظایفش در جهت دفاع از موکلش به میان آورد.

اما حمایت از حرفه وکالت، مستلزم آن است که افرادی که این حرفه را پیش میگیرند، به نوبه خود، در چارچوب قوانین و مقررات عمل کرده و با کردار خود شأن این حرفه و جایگاه آن را در جامعه حفظ نمایند. پس جنبه مهم یدگر فعالیت کانون وکلا نظارت بر نحوه عمل وکلای عضو آن است.

دوجنبه حمایت و نظارت در فعالیتهای کانون وکلای فرانسه نمایان است و تا حد زیادی هم با یکدیگر توأم میباشد زیرا انگیزه این نظارت، حمایت مؤثر از صنف و از اعضای آن میباشد.

در این راستا، فعالیت نظارتی کانون وکلا در فرانسه را میتوان پیرامون دو محور اصلی قرارداد: نخست در هنگام ورود به صنف، از طریق صدور پروانه وکالت، برای حفظ کیفیت و کارآیی شغل وکالت و سپس در مدت انجام حرفه، با نظارت انتظامی، برای حفظ شأن و اعتبار شغل.

قبل از بررسی فعالیتهای و نحوه عمل کانون وکلا در فرانسه، لازم میدانیم در ابتدا تشکیلات و سازماندهی آن را به اختصار شرح دهیم.

۱- سازماندهی کانون وکلا در فرانسه

در حوزه صلاحیت هر دادگاه استینافی در فرانسه یک کانون وکلا تشکیل شده است. هر کانون یک انجمن صنفی است که از شخصیت حقوقی مجزایی برخوردار بوده و در حوزه قضایی خود به طور کاملاً مستقل عمل میکند.

در پشت پرده این برابری حقوقی، کانونها در فرانسه دارای اهمیت متفاوتی هستند زیرا در بعضی مناطق تعداد اعضای آنها از پنجاه نفر تجاوز نکرده و در مناطقی دیگر، نظیر اطراف شهرهای بزرگ، تعداد اعضا به چندین هزار میرسد. بنابراین، اگرچه ساختار داخلی کانونها مشابه یکدیگر است اما عملکرد آنها در یک سطح نیست. کانون وکلای پاریس که از نظر کمیت مهمترین آنها میباشد دارای نزدیک ۱۵۰۰۰ عضو است. طبیعی است که با داشتن چنین حجمی، کانون پاریس دارای تشکیلات مفصلتری بوده و از این نظر به عنوان مهمترین کانون وکلای فرانسه به حساب میآید.

هر کانونی توسط هیأت مدیرهای که عنوان «شورای نظام» (Conseil de l'Order) را دارد اداره میشود. این شورا در این امر از حمایت قانون برخوردار بوده و وظایفش نیز از

قانون ناشی میگردد. شورای نظام یا هیأت مدیره کانون از سوی وکلای عضو کانون مربوطه انتخاب میشود. تعداد اعضای آن در هر کانونی متفاوت است. برای مثال، در کانون وکلای پاریس، هیأت مدیره از ۳۶ عضو تشکیل میگردد. اعضای شورای نظام یا هیأت مدیریت برای مدت سه سال توسط وکلای عضو کانون انتخاب میشوند و هر سال کرسی ۱/۳ از آنان به رأیگیری گذاشته میشود.

هیأت مدیره کانون ریسی را برای خود انتخاب میکند که در مقام ریاست کانون انجام وظیفه میکند. رییس کانون را اصطلاحاً در فرانسه «چوب بدست» (Batonnier) مینامند. این لقب به یاد اسطوره نیکلای مقدس (Saint Nicholas) معروف به حامی و کلا میاشد که همیشه چوبی را به عنوان عصا دردست داشته و با عصایش از مریدان خود حمایت میکردهاست. رییس کانون برای یک دوره دوساله انتخاب میشود. در آغاز سال دوم مدیریت او و همزمان با انتخاب ثلثی از اعضای هیأت مدیره، یک نفر به عنوان قائممقام وی انتخاب میشود که سال بعد، هنگام خاتمه ریاست او، این شخص جانشین او شده و ریاست کانون را به عهده میگیرد.

رییس کانون همه اختیارات لازم برای نمایندگی هیأت مدیره و کانون را داراست و به این عنوان مخاطب مقامات دولتی و اداری و اشخاص ثالث است. در کانونهایی که تعداد اعضایشان زیاد است، رییس کانون برای اداره بهتر امور، اقدام به تشکیل کمیسیونهای تخصصی مختلفی در داخل هیأت مدیره میکند و هر سال اعضای هر کمیسیونی را معین میکند. این کمیسیونها معمولاً جنبه اجرایی یا فنی و حتی مشورتی دارند اما میتوانند، در صورت تفویض اختیارات از سوی رییس کانون، قدت تصمیمگیری نیز داشتهباشند.

از وظایف مهم هیأت مدیره کانون و کلا تضمین آموزش تخصصی و کلا در هر سطح، به وسیله برگزاری کنفرانسها یا سمینارهای متعدد درباره موضوعات متفاوت و بویژه آموزش حرفهای متقاضیان پروانه و کالت است. وظیفه مهم دیگر نیز تنظیم و تکمیل و نظارت داریم

بر اجرای آیین وظایف صنفی و کلاهی عضو آن است. این دو فعالیت اساسی کانون و کلا
به ترتیب موضوع فصول بعدی است.

۲- نظارت کانون و کلابر آموزش حرفه، به منظور حفظ کیفیت و کارآیی شغل و کالت

آموزش و تربیت حرفهای و کلاهی دادگستری به عهده کانون و کلا است. هر کانونی در
فرانسه بدین منظور مراکز آموزشی تحت عنوان «مرکز آموزشی حرفهای و کلاهی
دادگستری» دایر کرده است تا این آموزش را برای داوطلبان حرفه و کالت در حوزه خود
تضمین نماید. این مراکز آموزشی تحت نظر کانون مربوطه اداره شده و برنامه آموزشی
آنها توسط آن کانون تنظیم و تدریس میگردد.

الف) شرایط مقرر برای ورود به مرکز آموزشی حرفهای و کلاهی دادگستری

قانون شرایط کلی را برای ورود به این مراکز آموزشی تعیین کرده است. این شاید تنها
مرحله آموزش حرفهای و کلا است که از انحصار کانون خارج میباشد. طبق قانون،
داوطلبان ورود به این مراکز باید دارای درجه فوقلیسانس حقوق یا معادل آن بوده و قاعدتاً
دوره آمادگی یکساله را در مؤسسات مطالعات قضایی وابسته به دانشکدههای حقوق
گذرانده و نهایتاً امتحانات ورودیه به مرکز آموزشی حرفهای و کلا را با موفقیت پشتسر
گذارد. پس از تصویب قانون ۱۹۹۰، کسانی که دارای درجه دکترای حقوق هستند از

گذراندن دوره آمادگی و دادن امتحان ورودیه معاف بوده و میتوانند مستقیماً در مراکز آموزشی برای گذراندن دوره آموزش حرفهای ثبتنام کنند.

از شرایط دیگر قانونی این است که داوطلب حرفه و کالت در فرانسه باید تبعه فرانسه یا یکی از کشورهای اتحادیه اروپا باشد. البته این شرط در عمل قاطعیت نداشته و موارد استثنایی، حتی در خود مفاد قانون، پیشینی شدهاست (مثلاً اتباع دیگر کشورهایی که بطور متقابل چنین مزایایی را برای اتباع فرانسه پیشینی میکنند).

برای ورود به مرکز آموزشی کانون، داوطلب باید گواهی عدم سوء پیشینه خود را ارائه دهد. طبیعی است که کسی که اشتیاق و تمایل به دفاع از حقوق سایرین را دارد، نباید خود قبلاً حق کسی را ضایع یا قواعد اجتماعی را بهطور جدی نقض کردهباشد.

داوطلبی که همه شرایط فوقالذکر را داشتهباشد وارد مرکز آموزشی کانون شده و زیر نظر کانون، به عنوان «شاگرد و کالت» در این مرکز به قصد کسب پروانه و کالت آموزش میبیند.

ب) دوره آموزش حرفهای و کلای دادگستری زیر نظر کانون

این دوره شامل دروس، کنفرانسها و تمرینهای عملی در زمینههای متعدد رشته حقوق و حرفه و کالت میباشد. نکته قابل توجه این است که طی این دوره، جنبههای عملی، فنی و تخصصی به شاگردان و کالت آموخته میشود. با توجه به شرایط لازم برای ورود به این

دوره، تصور میشود «شاگردان» از معلومات حقوقی پایه برخوردارند و رشته حقوق را به طور نظری در دانشکده آموخته‌اند. لذا باید در این مرحله فقط بر جنبه عملی تأکید کرد و آنان را برای اجرای حرفه آینده خود تربیت کرد.

در آغاز این دوره، شاگردان و کالت در مقابل ریاست دادگاه استیناف حوزه قضایی مربوطه و ریاست کانون و کلای مربوطه به طور دستجمعی سوگند یاد میکنند که وظایف خویش را با حسن نیت انجام داده و هیچ اسراری که در طول این دوره، هنگام مطالعه پرونده‌های از آن باخبر میشوند را جایی افشا ننمایند.

شاگردان و کالت در گروه‌های متفاوتی براساس درجه تحصیلات، تخصص درسی، سن یا سابقه شغلی تقسیم میشوند. برای هر گروهی زمانهای خاصی برای آموزش تعیین میگردد. کلاسها و کنفرانسها عمدتاً توسط وکلای دادگستری یا قضات برگزار میشود. در کلاسها نحوه تشکیل و مدیریت پرونده، طرز برخورد با موکل از ابتدا تا پایان پرونده، طریقه تنظیم لایحه و ارایه استدلالات و کلاً و هرچه که به پیگیری یک پرونده مربوط میشود تدریس میشود و شاگردان و کالت باید این آموخته‌ها را در تمرینهای متعدد آن هم در زمینهای گوناگون (مدنی، تجاری، کار، کیفری، اداری و...) به اجرا درآورند. موضوع بعضی کلاسها آموزش حرفهای فنی است، نظیر طرز صحبت و بیان در حضور جمع و نحوه دفاع

در دادگاه و در حضور قاضی. «شاگردان» برای تمرین این قبیل دروس در دادگاه حضور یافته و در مقابل قاضی محاکمهای را صحنهسازی کرده و در دعوی فرضی از پروندهای که قبلاً روی آن کار کردهاند دفاع میکنند. کنفرانسها درباره موضوعات مختلف و بااهمیت متفاوت برگزار میشوند و اصولاً سعی دارند، بهغیر از آشنایی حضار با موضوعات کلی نظیر وظایف صنفی یا مقررات اروپایی، تحولات اخیر حقوقی را برای آنان تشریح و نقد کنند.

شاگردان وکالت در این دوره آموزشی حداقل دو ماه نزد محاکم قضایی معین یا نزد وکیلی کارآموزی میکنند و در پایان این کارآموزی باید گزارشی از کارهای انجام داده و تجربه کسب کرده ارائه دهند. «شاگردانی» که دارای درجه دکتری میباشند از کارآموزی معاف هستند.

این دوره آموزشی به طور فشرده حدوداً پنجماه، به اضافه دو ماه کارآموزی، طول میکشد اما در مجموع در طول یک سال سپری میشود. در پایان این دوره، داوطلبان امتحاناتی برای دریافت «گواهی قابلیت برای حرفه وکالت دادگستری»، که معادل پروانه وکالت است، را میگذرانند. این امتحانات برای آموزش دیده جنبه عملی دشاته و شامل تمرینهای کتبی و شفاهی میباشد.

پ) صدور پروانه وکالت و ادای سوگند وکالت دادگستری

شاگردان و کالتی که با موفقیت امتحانات مرکز آموزشی حرفه‌ای و کلا را می‌گذرانند، از کانون و کلا «گواهی قابلیت برای حرفه و کالت دادگستری» را دریافت مینمایند. بعضی اشخاص به لحاظ شغل قبلیشان، استثنائاً از دریافت گواهی مزبور برای ورود به حرفه و کالت دادگستری معاف هستند. از قبیل قضات سابق، اساتید دانشگاه و آوئوها (Avoués) نزد دادگاه استیناف.

برخلاف ایران، اخذ گواهی قابلیت یا به عبارت دیگر پروانه و کالت در فرانسه به معنای ورود به صنف و کلا دادگستری نیست. دارنده پروانه میباید سپس در دفتر و کالتی یا نزد

وکیلی کار پیدا کرده و نسخهای از قرارداد کار خود و مشخصات کارفرما را به کانون جهت تأیید ارائه دهد. پس از تأیید اشتغال توسط کانون، تاریخی برای ادای سوگند تعیین میشود و متقاضی در روز مقرر در دادگاه استیناف مربوطه حضور یافته و درمقابل ریاست دادگاه و ریاست کانون و کلاهی که عضو آن میشوند به‌طور انفرادی سوگند یاد میکنند.

متن سوگند و کلاهی دادگستری در فرانسه به شرح زیر است: «من به عنوان وکیل

دادگستری سوگند یاد میکنم که حرفه خود را براساس متانت، وجدان، استقلال، درستکاری و انسانیت انجام دهم». متن این سوگند تعدادی از اصول مهم حرفه و کالت در

فرانسه را یادآور میشود.

شخص قسم خورده از این پس حرفه و کالت دادگستری را رسماً پذیرفته، اما از نظر کانون

به عنوان وکیل کارآموز مشغول بهکار میشود.

ث) کارآموزی وکالت دادگستری در فرانسه

در اینجا نباید دوره کارآموزی در فرانسه را با کارآموزی وکالت در ایران تشبیه کرد زیرا

این دوره برای وکیل فرانسوی پس از دریافت پروانه وکالت آغاز میشود و نه قبل از آن و

برای دریافت آن. در نتیجه، تفاوت اساسی که باید بدان اشاره کرد این است که وکیل

کارآموز در فرانسه در مقام وکیل عمل میکند و دارای تقریباً تمامی اختیارات و وظایف

یک وکیل میباشد، در حالی که در ایران چنین نیست.

از آنجا که حرفه وکالت دادگستری مسئولیت شخصی و اجتماعی زیادی را دربردارد،

اعتقاد بر این است که وکیل باید در ابتدا نزد وکیل یا وکلای باتجربهای آغاز بهکار کند و

مدتی زیر نظر آنان شاغل باشد تا تجربه کسب کند. بدین لحاظ و به منظور حمایت از

منافع موکلان، قانون وکلایی که جدیداً وارد حرفه شدهاند را به مدت دو سال از داشتن

دفتر شخصی منع کردهاست و کانون وکلا را مأمور نظارت بر این ممنوعیت کردهاست.

بنابراین منظور در اینجا از وکیل کارآموز وکیلی است که این دوره دوساله، اشتغال

اجباری نزد وکیل باتجربهای را طی میکند. لازم به ذکر است که عنوان کارآموز برای

وکیل فرانسوی فقط در روابطش با کانون و همکاران خود مطرح است؛ برای اشخاص

ثالث و بویژه موکل خود، او به عنوان وکیل دادگستری عمل میکند و نیازی به شرح

وضعیت خود در مقابل کانون را ندارد. به همین دلیل روی کارت ویزیت خود عنوان وکیل دادگستری را قید میکند.

معذالک، در این مدت دو ساله کارآموزی، وکیل تازهکار موظف است در تعداد معینی کلاس آموزش حرفهای و تخصصی یا کنفرانسها حضور یابد. هدف از این آموزش تکمیلی، تقویت معلومات حقوقی و کلاهی کارآموز است.

پس از این دوره دو ساله، وکیل کارآموز گزارشی از وکیل سرپرست خود درباره فعالیتهای خود طی دوره کارآموزی را به کانون و کلا ارایه داده و از کانون درخواست صدور گواهی

پایان دوره کارآموزی را مینماید. شایان ذکر است که دوره کارآموزی از لحاظ مالیاتی و همچنین مخارج کانون مزایای زیادی دارد، لذا در گذشته بسیاری از وکلا سعی داشتند این دوره را تا حد امکان، یعنی تا سه یا حتی پنج سال به درازا کشانند، تا اینکه چند سال پیش کانون مدت این دوره را به دو سال محدود ساخت.

پس از آن، وکلایی که مایل باشند میتوانند به تنهایی یا بایک یا چند تن از همکاران دفتر و کالتی را دایر کرده و به طور مستقل فعالیت خود را ادامه دهند.

ح) اعطای درجه تخصص به وکلا

پس از اصلاح ۱۹۹۰ و پیرو بخشنامه مورخ ۸ ماه ژوئن ۱۹۹۳ میلادی، وکلای دادگستری در فرانسه میتوانند در بعضی زمینهای حقوقی یا قضایی درجه تخصص دریافت نمایند. این

درجه صرفاً افتخاری، برای وکلایی در نظر گرفته میشود که در انجام حرفه خود در زمینه خاصی تجربه و یا سهرتی کسب کردهاند. کانون وکلا، پس از ارزیابی و تأیید تجربه و صلاحیت متقاضیان، امتحاناتی برگزار میکند و در صورت موفقیت شرکتکننده، به او درجه افتخاری متخصص در رشته موردنظر را اعطا میکند. به عنوان مثال، بعضی رشتههای تخصصی عبارتند از: حقوق کیفری، حقوق عمومی، حقوق تجاری، حقوق شرکتهای تجاری، حقوق مالیاتی، حقوق کار، حقوق روابط بینالمللی، یا حقوق محیط زیست و حقوق املاک و مستغلات.

۱- نظارت انتظامی کانون بر اجرای حرفه وکالت، به منظور حفظ شأن و اعتبار شغل

کانونهای وکلا در فرانسه بر عملکرد اعضای خود و رعایت مقررات حاکم بر شغل آنان نظارت میکنند و بدین منظور، در مواقع بروز تخلف، به صورت محکمه انتظامی وکلا عمل میکند.

هر کانونی از تشکیلات انتظامی برخوردار بوده و هر ساله هیأت مدیره کانون اعضای اصلی و علیالبدل آن را انتخاب و از میان آنان رئیسی تعیین مینماید و اسامی آنان را در بولتن کانون منتشر میکند.

هر کانونی دارای چند تشکل انتظامی بوده که تعداد آنها نسبت به اهمیت

کمی کانون متفاوت است. هر یک از این تشکلهای تحت ریاست یکی از رؤسای سابق کانون که عضو فعلی هیأت مدیره باشد اداره میشود که این بیانگر اهمیت است که برای اینگونه فعالیتهای کانون قائل شدهاند. رییس هر تشکل انتظامی بویژه بر رعایت آیین دادرسی و ابلاغ تصمیمهای محکمه نظارت میکند.

رئیس کانون، پروندههای مطروحه را میان تشکلهای انتظامی براساس معیاری که خاص هر کانونی است - توزیع میکند. در صورتی که محکمه هنگام بررسی پروندهای به دلیل بغرنجی یا اهمیت قضیه صلاح بداند، میتواند آن را به تشکل انتظامی عامی (formation plenaire) که از اعضای کلیه تشکلهای انتظامی تشکیل میشود، ارجاع دهد.

مراحل دادخواهی و دادرسی مقابل محاکم انتظامی کانون و کلا در فرانسه به ترتیب ذیل است.

الف) تحقیقات در خصوص تخلفات صنفی

رئیس کانون پیرو درخواست دادستان کل یا شکایت هر شخصی که ذینفع باشد، و یا با ابتکار عمل خود اقدام به تحقیق درباره عملکرد و رفتار و کیل مینماید. او در عمل این تحقیق را به یکی از اعضای شورای نظام یا هیأت مدیره واگذار کرده و او را مأمور میکند تا گزارشی در این باره ظرف مدت معینی به وی ارائه دهد.

رئیس کانون، پس از مطالعه گزارش تحقیق، میتواند بنابه تشخیص خود پرونده را بایگانی کرده و به قضیه خاتمه دهد یا اینکه آن را به شورای نظام جهت رسیدگی ارجاع دهد. دبیرخانه رئیس کانون شاکی پرونده - اعم از شخصی یا دادستانی - و همچنین وکیل مورد تحقیق را از تصمیم خود مطلع میسازد.

در صورتیکه ریاست کانون تشخیص دهد علایمی در جهت تخلف وکیل مورد تحقیق وجود دارد پرونده را به محاکم انتظامی ارجاع میدهد و سپس مرحله بازرسی انتظامی آغاز میشود.

ب) بازرسی انتظامی

بغیر از مواردی که از سوی رئیس کانون ارجاع میشود، شورای نظام کانون میتواند به درخواست دادستان کل و یا حتی با ابتکار عمل خود اقدام به بازرسی انتظامی کند. در این مرحله، رئیس کانون تشکل انتظامی که مأمور رسیدگی به پرونده میشود را تعیین مینماید. شورای نظام، بازرسی را به یک یا چند نفر از اعضای محکمه انتظامی تعیین شده - و گاهی هم به تشکلهای دیگر - محول کرده و یکی از آنان را مأمور تهیه گزارشی در این باره میکند.

به محض ارجاع پرونده به تشکل انتظامی، تصمیم کانون دال بر پیگیری قضیه به وکیل مربوطه به وسیله نامه سفارشی ابلاغ میشود و در این نامه موضوع شکایت و گزارشی

خلاصه و دقیق از اتهامات وارده درج میگردد. طبق قانون، باید در این نامه الزاماً قیدشود

که وکیل متهم میتواند از خدمات وکیل دیگری در دفاع از خویش استفاده نماید.

وکیل مورد اتهام یا وکیل او میتوانند از ابتدا پرونده را مطالعه نمایند. در صورت ارجاع

پرونده از سوی رئیس کانون، گزارش تحقیق اولیه نیز در پرونده خواهد بود. رونوشت

هر مدرک و سندی، در صورت درخواست وکیل، در اختیار وی قرار میگیرد.

بازرسی انتظامی در غالب جلسات استماع و به صورت متعارض (contradictoire)

انجام میگیرد، یعنی که طرفهای اختلاف استدلالهای خود را در مقابل شکل انتظامی ارایه

و از موضع خود دفاع میکنند. شکل انتظامی میتواند به تشخیص خود یا به درخواست

شاکی یا وکیل متهم، هر شخص ثالثی را به جلسه دعوت کرده و بیانات یا شهادت وی را

در تصمیمگیری خود مدنظر قرار دهد. دادگاه انتظامی میتواند حتی اشخاص ثالث را با

وکیل مورد بحث روبهرو کند. از همه جلسات استماع، صورتجلسه‌های تنظیم میشود و به

امضای اشخاص حاضر میرسد.

گزارشگر محکمه گزارشی تهیه کرده و همراه با کلیه مدارک و اسناد لازمه، آن را به

رئیس کانون و رئیس محکمه انتظامی ارائه میدهد. در صورتیکه اعتقاد وی بوجود تخلف

از جانب وکیل باشد، باید در گزارش خود تخلف صنفی موردنظر و همچنین اساس قانونی

آن را به طور دقیق ذکر نماید.

بنابه تشخیص رئیس کانون یا رئیس تشکل انتظامی، پرونده مطروحه یا بایگانی شده و تعقیب انتظامی علیه وکیل خاتمه یافته، یا اینکه پرونده برای رسیدگی به محکمه انتظامی ارجاع میشود.

پ) روند دادرسی در مقابل تشکل انتظامی کانون

در این مرحله، وکیل مورد تعقیب به محکمه انتظامی کانون رسماً احضار میشود. این احضاریه باید حداقل هشت روز قبل از تاریخ جلسه محکمه به وکیل مربوطه ابلاغ شود و باید الزاماً موارد اتهام وارده و اساس قانونی هر یک از آنها به طور دقیق ذکر شده باشد.

ضمناً حق او برای استفاده از همکاری وکیل دیگری به منظور دفاع از خویش باید یادآوری شود. دیگر اینکه در این احضاریه باید قید شود که وکیل مربوطه یا وکیل او میتوانند هر زمان از محتوای گزارش بازرسی اطلاع یافته و نسخهای از آن در اختیارشان قرار گیرد.

وکیل احضار شده یا وکیل مدافع او در جلسه محکمه در تاریخ مقرر حاضر میشود. در صورتی که گزارشگر بازرسی انتظامی از اعضای محکمه باشد، در هیأت دادرسان محکمه نخواهد بود و عضو علیالبدل جانشین وی میشود. در مقررات صنفی کانون پاریس آمده است که چنانچه تعداد اعضای تشکل انتظامی از نه نفر تجاوز کند، همه آنان در شور

شرکت کرده و اظهار نظر میکنند ولیکن فقط نه نفر آنان که از قبل تعیین شده‌اند در رأیگیری شرکت میکنند.

به منظور حفظ اسرار شغلی و احترام اعضای کانون و همچنین برای حفظ منافع اشخاص ثالث، جلسات محکمه کانون علنی نیست، مگر در صورت درخواست کتبی وکیل مورد محاکمه. وکیل اخیرالذکر یا وکیل مدافع او با لباس و کالت در جلسه حضور مییابد، مگر اینکه پروانه و کالت متهم توسط کانون معلق شده باشد.

در آغاز جلسه، رئیس محکمه انتظامی از گزارشگر درخواست مینماید گزارش خود را

قرائت کند. سپس رو به وکیل کرده و از وی سؤالات لازم برای کشف حقایق میکند. پس از شنیدن پاسخ، از وکیل مورد محاکمه یا وکیل او میخواهد دفاعیات خود را شفهاً ارائه دهد. پس از این، محکمه ختم جلسه را اعلام میکند، به طوری که همیشه وکیل مورد محاکمه حرف آخر را زده باشد. محکمه میتواند، در مواقعی که تشخیص میدهد قضیه کاملاً روشن نیست، وقت جلسه دیگری برای استماع شهادت شهود تعیین کند.

در پایان جلسه، اعضای تشکل انتظامی گردهم آمده و شور میکنند. بحث آنان پشت دربهای بسته و به صورت محرمانه انجام میشود. گزارشگر بازرسی انتظامی در بحثها شرکت کرده ولی حق رأی ندارد. تصمیم محکمه در زمینه انتظامی کتباً به اطلاع وکیل

مربوطه و دادستان کل میرسد. شاکی، در صورتی که شخص ثالثی باشد، هنگام قطعیت حکم صادره از آن باخبر خواهد شد.

ح) مجازاتهای انتظامی اعمال شده توسط کانون

مجازاتهای انتظامی که کانون میتواند در مورد وکلای عضو اعمال کند معمولاً عبارتند از: تعلیق موقت پروانه و کالت، ممنوعیت موقت از انجام حرفه و لغو دایمی پروانه.

کانون میتواند به تشخیص خود، یا به درخواست دادستان کل، وکیلی که مورد تعقیب کیفری یا انتظامی قرار گرفته را از ادامه انجام حرفه و کالت به طور موقت معلق سازد

(Suspension provisoire). این اقدام که در ماده ۲۳ قانون پیشبینی شده است در

اصل به منظور تنبیه و گیل نیست، به خصوص اینکه شخص مورد تعقیب قضایی تا صدور

حکم محکومیت احتمالی از اصل برائت بهره میبرد. تعلیق موقت وکیل تدبیری در جهت

حمایت از منافع اشخاص ثالث بوده و صرفاً جنبه تأمینی دارد. وضعیت تعلیق به محض

خاتمه دعوای کیفری یا انتظامی یا هر زمان که کانون صلاح بداند پایان مییابد.

تفاوت وضعیت میان تعلق پروانه و کالت و ممنوعیت موقت اشتغال (Interdiction

temporaire) این است که مجازات اخیر نه در هر شرایطی بنا به تشخیص کانون، بلکه

تنها در پایان دادرسی از سوی تشکل انتظامی کانون قابل اعمال است. در صورتیکه

محکمه انتظامی که بر صحت تخلف و کیل رأی صدر نماید، میتواند وی را موقتاً از ادامه وکالت منع کند. حکم انتظامی مدت ممنوعیت اشتغال و کیل متخلف را تعیین میکند.

وکلائی که مشمول تصمیم انتظامی دال بر تعلیق پروانه یا ممنوعیت موقت میشوند، باید پروندههایی را که به عهده دارند برای مدت تعلیق یا ممنوعیت به وکیل یا وکلای دیگری واگذار نمایند تا منافع موکلانشان به مخاطره نیفتد.

شدیدترین مجازاتی که تشکل انتظامی کانون میتواند در پایان مرحله دادرسی انتظامی علیه وکیل دادگستری حکم دهد لغو پروانه او و به اصطلاح «خط خوردگی» (Radiation)

نام او از اسامی عضو کانون میباشد. در نتیجه چنین حکمی تمامی اختیارات وکیل محکوم در پروندههای محوله از او سلب میشود و او دیگر نمیتواند شغل وکالت را ادامه دهد. طبیعی است که مجازات چنین سنگینی در ازای تخلفات سنگین اعمال میشود.

چنانکه گفته شد، هدف از اعمال مجازاتهای انتظامی توسط کانون رعایت بیشتر قوانین و مقررات انتظامی از سوی وکلا است زیرا رفتار درست و قانونمند آنان ضامن اعتبار و شأن

این حرفه در نزد افراد جامعه میباشد. بنابه گفته فیودور داستایفسکی نویسنده مشهور روسی، برای اینکه دیگران به ما احترام بگذارند باید اول خودمان برای خود احترام قایل باشیم.

احترام به خود و به صنف خود برای وکیل دادگستری، مستلزم رعایت مقررات شغلی خود است. البته این در صورتی است که مقررات شغلی نیز در جهت ارتقا یا حفظ جایگاه

والای حرفه و کالت در جامعه گام بردارد، یعنی اینکه ضمن تأمین منافع مشروع موکلان، از حقوق و کلالی دادگستری در حین انجام حرفه بسیار حساسشان از نقطه نظر اجتماعی، حمایت کرده و استقلال و آزادی عمل آنها را به منظور حسن انجام مأموریتشان

محترم شمارند. نویسنده : دکتر نادر ذوالعین